عمده‌ترین مقوله‌های فرهنگی حوزهٔ زنان از نگاه امام‌خمینی (ره)

13 خرداد 1404

هنر انقلاب اسلامی ایران این بود که زنانِ جامعهٔ ما را متحول ساخت و در مسیر اسلام و ارزش های الهی هدایت کرد و از بی‌هویتی و بی بندوباری و ابتذال که سوغات غرب بود، به سوی عزت خواهی، عفاف، درک شخصیت، کمال‌جویی و تحول فکری و روحی هدایت کرد و از دون‌مایگی به اوج انسانیت ارتقا بخشید. در سایهٔ انقلاب و رهنمودهای امام راحل بود که زنان بینش فرهنگی یافتند.

ارزیابی دقیق و موشکافانهٔ امام دربارهٔ زنان توانست زمینه ساز تحول بنیادی آنان در مقولاتِ فرهنگی شود. آن حضرت با بهره گرفتن از سرچشمهٔ زلال معرفت و تأمل در منابع اصیل ایرانی-اسلامی هویت و جایگاه واقعی زن را آشکار کرد. معمار انقلاب یکی از دغدغه های‌شان را زنده‌کردن فرهنگ اسلامی و به تعبیر امروزی سبک زندگی دینی عنوان می‌کند و از زنان می‌خواهد که احیاگر و زنده کنندهٔ شریعت باشند. ایشان می‌فرمایند: «در این مدت چند صد سال، بلکه از اول بعد از پیغمبر تا برسد به حالا، فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند و این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانم‌ها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبههٔ علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید» (همان، ج 20: 9).

یکی از مواردی که زنان می‌توانند با توجه به آن احیاگر فرهنگ باشند، توجه به حجاب است. زمانی که امام مبارزات ضدطاغوتی خود را آغاز کردند با شرایط ویژه ای روبه رو بودند. زنان در آن تاریخ، بین دو رویکرد افراط و تفریط قربانی شده بودند. یک تفکر همان تفکری بوده که پایه هایش از زمان رضاشاه -پهلوی و تحت عنوان کشف حجاب بنیان نهاده شده بود. این تفکرات ریشه در جهان مادی غرب و به تعبیر برخی مدرنیته داشت. این دیدگاه، زنان را به مثابهٔ کالای قابل عرضه به مردان می‌پنداشت و دخترکان را همچون بازیچه‌ای در دست هوس‌بازان قرار می‌داد. از نظر محمدرضا شاه پهلوی، زن باید فریبا باشد. زن فریبا، نسخه‌بدلی از تصویر زن در جامعهٔ غربی بود که در آن کرامت و شخصیت واقعی زن در مسلخ فلسفهٔ مادی غرب، قربانی شده بود. امام در مورد این دیدگاه بیانات صریحی دارند. «اساس بر این بود که انحراف درست کنند. اساس بر اصلاحات نبود. اساس این بود که نگذارند یک مملکتی رشد کند؛ لذا از آن می فهمیم که آن کشف حجابی که رضاخان به تبع ترکیه و به تبع غرب و به واسطهٔ مأموریتی که داشت، [انجام داد] برخلاف مصلحت مملکت ما بود» (همان، ج 7: 337).

دیدگاه مقابل، دیدگاهی بود که به زن نگاهی متحجرانه و ارتجاعی داشت که مانع از تحقق اهداف اسلام واقعی می‌شد. اسلام اینان فاقد فقه پویا و عنصر زمان و مکان بود. امام ارزش گذاریِ زنان توسط اسلام را تشریح می‌کنند و می گویند: «درهرصورت همان‌طورکه حقوق مردها در اسلام مطرح است، حقوق زن‌ها [هم مطرح است]. اسلام به زن‌ها بیشتر عنایت کرده‌است تا به مردها. اسلام بیشتر حقوق زن‌ها را

ملاحظه کرده‌است تا مردها. این هم [آن] معنا که بعدازاین چه خواهد شد. زن ها حق رأی دارند_از غرب بالاتر است. این مسائلی که برای زن ها قائل هستیم_ حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب‌شدن دارند. همهٔ این ها هست. تمام معاملاتشان به اختیار خودشان است و آزاد هستند. در اختیار شغل آزاد هستند» (همان، ج6: 436).

با توجه به این سخنان واضح است که امام هیچ‌کدام از این دو رویکرد را نمی‌پسندند. امام در بیاناتشان بسیار از فرهنگ استعماری سخن می‌گویند. ایشان این فرهنگ را در مقابل فرهنگ اسلامی می‌بینند و در بخشی از سخنانشان به جلوه‌های فرهنگ اصیل اشاره می‌کنند و جامعه و به ویژه زنان را از پیروی از فرهنگ منحط برحذر می‌دارند. یکی از این موارد فرهنگِ پوشش یا همان حجاب است. امام درمورد لزوم حفظ پوشش تصریح می‌کنند: «باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده‌است، برای حفظ آن ارزش‌های شماست. هرچه را که خدا دستور فرموده‌است _چه برای زن و چه برای مرد_ برای این است که آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطهٔ وسوسه‌های شیطانی با دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند. این‌ها، این ارزش‌ها زنده شود» (همان، ج 19: 185).

زنان اصیل و عفیف با گوش جان سپردن به رهنمودهای بنیان‌گذار انقلاب در نهضت ها پیش‌قدم بودند. زنان و مادران ایرانی در مراحل شکل گیری و تثبیت انقلاب اسلامی نقشی غیرقابل انکار داشتند. رعایت حجاب و موازین شرعی عنصرِ تفکیک‌ناپذیر حضور زنان در گستره‌های فرهنگی است. حضور همین زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی توانست انقلاب را بیمه کند.

از جمله موارد دیگر فرهنگی که امام به آن اشاره می‌کند، مسئلهٔ دوری از مصرف گرایی و اشرافیت است. از آن جا که بخش مهم زندگی و ادارهٔ امور زندگی با بانوان است، آنان می‌توانند بهترین نقش را در مدیریت زندگی و جلوگیری از اشرافی گری ایفا کنند. امام در بخشی از بیاناتشان به این مهم اشاره می‌کنند: «با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی_اسلامی را حفظ کرد. جوانان ایران و زنان و مردان که در زمان طاغوت با تربیت طاغوتی بار آمده بودند، هرگز نتوانستند با قدرت طاغوتی مقابله کنند» (همان، ج 18: 81). زمانی که ارزش‌های مادی در جامعه حاکم باشد و مصرف زدگی در

بین مردم به ویژه زنان موج بزند، فضا برای رفتن به قعر چاه مهیا می‌شود. امام با این امور که فرهنگ و هویت زنان را زیر سؤال می‌برد، مقابله می‌کرد و از این نوع سبک زندگی این‌گونه انتقاد می کرد: «وقتی در قشر توده های مردم نگاه می کردی، در بین زن و مرد [در] هر دو طایفه، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش. هر که بهتر لباس می پوشید و در لباس شیک‌تر بود، ارزشش پیش مردم بیشتر بود و هر زنی که آرایشش به طرز اروپایی بود و لباسش از آن‌جا الهام می گرفت، این پیش زن ها هم ارزشش زیادتر بود؛ البته نزد بیشتر زنان، ارزش ها همه به امور مادی بود» (همان، ج 17: 184).

امروزه باید زنان هوشیار باشند و اجازه ندهند که از زنان غرب به‌عنوان الگوی ایده آل یاد شود. مدرنیزه‌شدن و تجدد و به دنبال آن خوی اشرافی گرفتن، زنان ما را به‌سوی باتلاقی سوق می‌دهد که فرار از آن به آسانی ممکن نیست.

اندیشه‌های امام تأمین کنندهٔ تشخص و منزلت فکری زن مسلمان در جهان بود. تا پیش از انقلاب برای توصیف و تحلیل پایگاه فرهنگی و اجتماعی زنان از مدل‌های غربی صحبت می‌شد. بسیاری از نظریه پردازان زمانی که می‌خواستند ازطریق معرف‌ها وضعیت زنان مسلمان را ارزیابی کنند، از شاخص هایی چون وضعیت اشتغال، میزان آزادی، برعهده گیری منصب‌های حکومتی، میزان رفاه مادی و... استفاده می‌کردند، اما انقلاب اسلامی به رهبری امام‌خمینی و با تمام فراز و فرودهایش توانست الگوی نوین و متعادلی از زن را ارائه دهد. در این الگو زن برپایهٔ معیارهای انسانی و اخلاقی سنجیده می‌شود.

امام الگوی نوین نظام اجتماعی را هم شکل دادند. ایشان بحث توسعهٔ جایگاه زنان را برای جمهوری اسلامی در اندیشه و عمل ترسیم کردند. معمار انقلاب اسلامی به زنان حق دخالت و در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را داد، اما به‌دلیل شرایط جسمی و روحی زن استفاده از این حقوق را مشروط به حفظ حجاب و پاک‌دامنی دانسته اند و تأکید کرده اند که: «زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده‌است» (همان، ج 18: 403). ایشان با اشراف عمیقی که نسبت به دین مبین اسلام و شرایط جامعه داشتند، توانستند تصویری دقیق و روشن از نقش و کارکرد اجتماعی زنان ارائه دهند. امروزه زنان مسلمان به برکت رهنمودهای آن پیر فرزانه در عرصه هایی روبه رشد هستند که تا پیش‌ازاین مردانه انگاشته می‌شد.

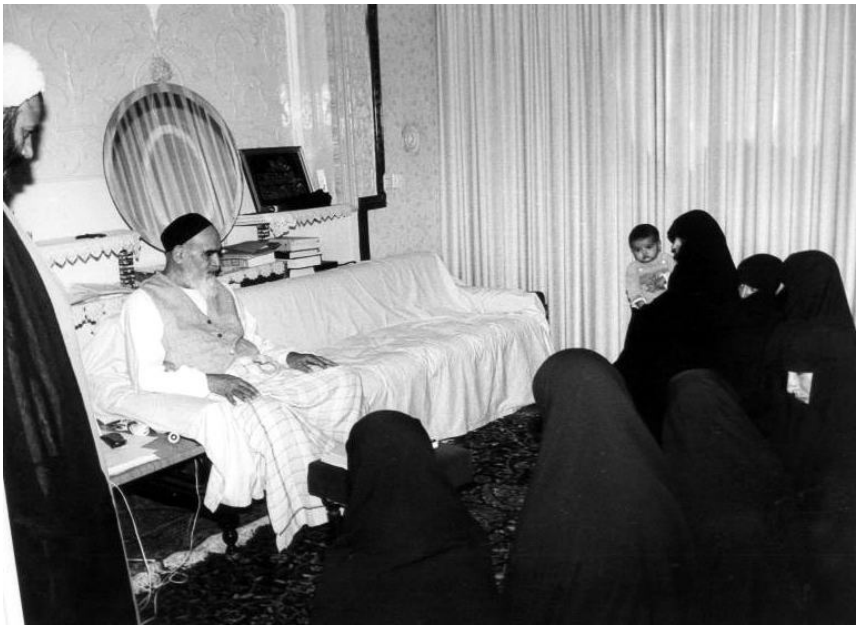

در جهان کنونی، زن نقشی انکارناپذیر در فرهنگ ملت‌ها دارد و می‌توان ادعا کرد که جوامع بشری با نقش سازنده و بی‌بدیل زنانشان رشد و تعالی می‌یابند. یکی از عوامل پیروزی انقلاب، شناختی بود که امام نسبت به زنان داشت. ایشان در بخشی از سخنانشان از زنان و جوانان می‌خواهند که فرهنگ واقعی خود را حفظ کنند و به این مهم اشاره می‌کنند: «همان‌طور که با شجاعت ابر قدرت ها را خارج کردید، با شجاعت در فرهنگ خودتان کار کنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل کنید و اتکای خودتان را هر روز به خارج کم کنید... یکی از امور دیگری هم که باز من گفته ام این است که ما را جوری بار آورده بودند که یا باید فرنگی‌مآب باشیم یا هیچ. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سر تا پایش فرنگی مآب است، این معلوم می شود خیلی عالی مقام است و چنان‌چه مثل سایر مسلمان هاست، این خیلی عقب افتاده است. عقب افتادگی و جلورفتن را به این می دانستند که فرنگی مآب باشد؛ یعنی فرض کنید فرم لباسش چه طور باشد. فرم کفشش چه طور باشد» (همان، ج 16: 84).

این عبارات خود به تنهایی نشان دهندهٔ این است که برای به زانودرآوردن مردم جهان کافی است فرهنگشان را مطابق با سلیقهٔ موردنظر تغییر داد. پدیدهٔ انقلاب اسلامی 57، در میان تجربه‌های پیشین، برجستگی بارزی دارد؛ زیرا زنان، فضای بی فرهنگی عصر استبداد را حس کرده و بر اثر آشنایی و تماس با فرهنگ و تمدن، امکان سنجش و گزینش الگوی مناسب رفتاری و شخصیتی را به‌دست آورده بودند. گسترهٔ حضور زنان مسلمان ایرانی در جریان انقلاب، بدون هیچ دعوت واپس گرایانه‌ای صورت گرفت. درحقیقت موج برآمده از انقلاب چنان خرد و کلان را به خودجوشی برانگیخته بود که متولیانِ سنت و تحجر و تجدد، توان مقابله با آن را از کف داده بودند.

زمانی که انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت، زنان جامعهٔ ما دچار تغییر و تحولات اساسی و بنیادین شدند. یکی از این تحولات، تحول فکری‌ـفرهنگی بانوان بود. «امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است، ارزش انسانی است. به واسطهٔ همین تحول در قشر بانوان، دیگر آن‌هایی که با آرایش های فاسد و لباس‌های فاخر می‌خواستند فخرفروشی کنند در بین جامعهٔ نسوان ما محکوم اند و خجالت زده اند. آن روز، بانوان اسلامی ما خجالت می کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در آن مراعات شده باشد [ظاهر بشوند] طبقات ضعیف هم اگر این کار را می‌کردند، خجالت می کشیدند در بین قشرهای

فاسد و مرفّه بروند. امروز امر به عکس است؛ آن اشخاصی که دارای آن‌طور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنمایی های مُفْسِد بودند، آن‌ها در بین شما احساس شرم می‌کنند. این تحول، بالاترین تحول در جامعه است» (همان، ج 14: 197).

در راستای همین تحولات بود که به گفتهٔ امام، زنان شیردل و متعهد ابتدا به فرهنگ‌سازی و خودسازی در درون خود روی آوردند و سپس برای نبرد فرهنگی وارد عرصه شدند. امام در این سخنان همچون سخنان پیشین خود، به شاخصهٔ پیشتازی و پیشگامی زنان در عرصه‌های گوناگون اشاره و تصریح می‌کند: «زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنان‌که به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته اند. شما شهر و روستایی را نمی یابید جز آن‌که در آن‌ها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زن‌های متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به‌وجود آمده‌است. نهضت اسلامی به‌برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صدساله را یک‌شبه طی کرده‌است و شما ملت شریف دیدید که زن‌های محترم متعهد ایران، پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند» (همان، ج 12: 275). آن‌چه مسلم است، امروزه همچون گذشته، دشمنان ما در آن سوی مرزها، راه‌های مختلفی را در آیندهٔ دور و نزدیک برای صدمه زدن به ایران اسلامی، مدّنظر قرار می‌دهند؛ همان‌گونه که تاکنون نیز چنین کرده‌اند و این امر لزوم یادآوری و عمل به منویّات امام‌خمینی (ره) در گسترهٔ نبرد فرهنگی را برای دختران و زنان ما دوچندان می‌کند.

نقش زنان در ترویج فرهنگ ایرانی ـ اسلامی

در طول تاریخ، زنان ایران و جهان از موقعیت و شأن مناسبی برخوردار نبودند و اغلب توسط جامعهٔ مردسالار مورد توهین و بی‌مهری واقع می‌شدند. زمانی که حرکت‌هایی برای احقاق حقوق زنان در جهان پدید آمد، زورمداران به مقاومت برخاسته و با به‌انحراف‌کشیدن قیام‌های مزبور به اسم اعطای آزادی زن او را بیشتر و سخت تر به بند کشیدند. اگر زنان به جایگاه و ارزش واقعی خود پی برده بودند، دیگر راهی برای استثمار و بهره کشی از آنان باقی نمی‌ماند. شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، در توصیف وضعیت زمانه این‌چنین می‌نویسد: «بدبختی‌های قدیم غالباً معمول این جهت بود که انسان‌بودن زن به فراموشی سپرده شده بود و بدبختی‌های جدید از آن است که زن‌بودنِ زن و موقعیت طبیعی و فطری اش، رسالتش، مرادش، تقاضاهای غریزی‌اش، استعدادهای ویژه اش به فراموشی سپرده شده‌است.» البته همهٔ این نقیصه‌ها بدان علت بود که بشرمدرن می‌خواست، براساس منافع خودش تصمیم بگیرد و قانون بنویسد و جامعه را مدیریت کند؛ درحالی‌که اگر مبنا و مأخذ قانون‌گذاری، وحی الهی می‌بود جامعه از خطای افراط وتفریط مصون می‌ماند.

زنان برای ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی باید نخستین قدم‌ها را در خانه هایشان بردارند. امام خانواده را –اولین و مهم‌ترین جایگاه فرهنگی-تربیتی بشر و محل بروز و ظهور عواطف انسانی و رکن عمدهٔ جامعه به حساب می‌آورند و از زنان می‌خواهند که برای حفظ فرهنگ اسلام، تربیت را از محیط خانه هایشان شروع کنند. ایشان می‌فرمایند: «خانه‌های شما باید خانهٔ تربیت اولاد باشد... تربیت دینی، تهذیب اخلاق. توجه به سرنوشت این‌ها برعهدهٔ پدران. مادران است. مادرها بیشتر مسئول هستند. مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیهٔ اطفال از تأثیر پدر بیشتر است» (همان، ج 7: 504).

امام برای زنان یک نقش محوری در امر تربیت قائل بودند. زنان هم نیمی از جامعه اند و هم تربیت کنندگان نیم دیگر جامعه. نوع و روش تربیت زنان باعث عزت و تعالی جامعه می‌شود. در یک جامعهٔ اسلامی، این وظیفه هم بر دوش مردان و هم بر دوش زنان است. چه بسا زنان به‌دلیل حسِ لطیف مادری بیش از مردان از عهدهٔ چنین کاری برآیند. فرازوفرود جوامع انسانی به دست زنان و مادران آن جامعه است. زنان اگر از انجام این مهم به خوبی برآیند، می‌توانند نقشی مهم و تأثیرگذار در ایجاد فرهنگ ایرانی-اسلامی ایفا کنند. بانوان ما باید تلاش کنند تا در محیط گرم خانه احیاکنندهٔ فرهنگ ایرانی-اسلامی باشند.

غیر از محیط خانه، عرصهٔ علم آموزی هم می‌تواند بستر مناسبی برای احیا و نجات فرهنگِ تحریف یافته باشد. حوزه و دانشگاه نقش اساسی و مهمی در مهندسی فرهنگی برعهده دارند. هم اکنون زنان در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی فراتر از نقش‌های سنتی، حضوری فعال و سازنده دارند. نهادهای فرهنگی حکومت نیز به‌عنوان هماهنگ کنندهٔ این دو می‌تواند زمینه ساز اجرای فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی باشند. بانوان فرهیختهٔ ما می‌بایست با اسلامی‌کردن دانشگاه ها و پویاکردن حوزه ها به رشد فرهنگ کمک کنند.

یکی دیگر از گستره هایی که زنان می‌توانند ازطریق آن به ترویج الگوی ایرانی ـ اسلامی بپردازند، حوزهٔ اقتصادی است. رفتارهای اقتصادی، مبتنی‌بر فرهنگ اند. این که فرهنگ مصرف گرایی یا علاقه به خرید کالای خارجی و لوکس در کشور توسط مردم به‌خصوص زنان که مصرف کنندهٔ اصلی این نوع کالا هستند، کاهش یابد، بر پویایی اقتصاد و جلوگیری از فرهنگ مصرف‌گرای غرب تأثیر ویژه‌ای خواهد

گذاشت. زنان جامعهٔ ما باید دقت داشته باشند که برای حفظ فرهنگ اصیل مان از خرید کالاهای ضدفرهنگی خودداری کنند.

زنان ما به‌عنوان مدیران فرهنگی خانه و جامعه می‌توانند به پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی کمک کنند. فرهنگ به اقتصاد جهت می‌دهد. زنان همراه با مردان یا حتی بهتر از آن‌ها می‌توانند در این عرصه فعال باشند. امام در وصیت‌نامهٔ خود به این مهم اشاره کرده و می‌افزاید: «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند» (وصیت‌نامهٔ سیاسی- الهی امام خمینی (ره)، متن: 8 پیشگفتار).

بانوان ما برای ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی باید قبل از هرچیز برای اهداف خود به دنبال الگوهایی مناسب باشند. در طول تاریخ، زنان بسیاری بوده اند که قله‌های ترقی را در نوردیده و به‌عنوان زنان نمونه و الگو معرفی شده اند. زنانی که با صبر و تلاش، استقلال و خودباوری به همراه توکل بر خداوند توانستند فرهنگ سازی کنند و از این طریق نسل خود و جامعهٔ خود را نجات دهند. الگویی که امام برای زنان ترسیم کردند برگرفته از ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی زنانی چون حضرت زهرا (س)، حضرت خدیجه (س) و حضرت زینب (س) بود. رهبر انقلاب ضمن تأکیدبر الگو قراردادن آن حضرات از زنان جامعه می‌خواهد که همچون آن بانوان مجاهده و محاکمه داشته باشند و مانند آنان زندگی خود را براساس فهم درست، هوشیاری در درک شرایط، زهد و تقوا بنا کنند. امام ضمن اشاره به تحول زنان و الگوپذیری مناسب آنان، از زنان می‌خواهد که برای حفظ فرهنگ مناسب و درخور زنِ ایرانی، استقلال فکری داشته باشند و در راستای رهنمودهای روشنگرانهٔ خود چنین توصیه می‌کنند: «جامعهٔ ما از بانوان زمان محمدرضا و رضاخان برگشتند به یک بانوانی که زینب گونه شدند و تابع فاطمه. آن روز تابع آرایش اروپایی بودند و این‌که باید از اروپا طرح لباس بیاید. امروز تابع مکتب هستند و آن‌چه اسلام بپسندد مقبول است. این یک تحولی است که بالاترین تحولات در جامعهٔ ما است. توجه کنید به این‌که دست‌های فاسد و قلم های فاسد و گفتارهای فاسد شما را به اغفال نکشاند و شما را برنگرداند به حال سابق» (همان، ج14: 198).

- منبع: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، منیره افشین پور؛ دکتری فقه و مبانی حقوق، پژوهشکدهٔ امام‌خمینی (ره) و انقلاب اسلامی)